

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۶، شماره ۲۰، خرداد و تیر ۱۳۹۷

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی

بهروز ابراهیمی^۱ حیات عامری^{۲*} زهرا ابوالحسنی چیمه^۳

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳)

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی استعاره‌های مفهومی حوزه عشق در آینه ضرب‌المثل‌های سه زبان فارسی، انگلیسی و ترکی می‌پردازد. تلاش شده است از ۱۵ منبع برای سه زبان مذکور، داده‌های مورد نیاز از هر سه زبان استخراج و گردآوری شود. با جست‌وجو در منابع، بیش از ۱۰ هزار ضرب‌المثل مورد مطالعه قرار گرفت که از این تعداد به ۲۰۱ ضرب‌المثل در حوزه عشق و تعداد ۹۶ نگاشت‌نام در این ضرب‌المثل‌ها رسیدیم. تلاش شد تا پربسامدترین نگاشت‌نام‌ها در هر سه زبان مشخص و جداگانه در جدول آورده شود. در کنار نگاشت‌نام‌ها، پربسامدترین حوزه‌های مبدأ نیز شناسایی و معرفی شدند تا مشخص شود گویشوران این سه زبان بیشتر از چه نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ برای بیان استعاری عشق استفاده می‌کنند. مشخص شد در زبان فارسی پربسامدترین نگاشت‌نام عشق، بلا، درد، رنج، بیماری است. در زبان انگلیسی و زبان ترکی «عشق روشنایی است» پربسامدترین نام‌نگاشت‌ها بودند. همچنین پربسامدترین حوزه‌های مبدأ که برای مفهوم‌سازی عشق به کار رفته‌اند، به ترتیب حوزه‌های مبدأ «انسان/ بدن انسان» در زبان

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).

* h.ameri@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان‌شناسی پژوهشکده سازمان سمت

فارسی، «روشنایی و تاریکی» در زبان انگلیسی و «انسان/ بدن انسان» در زبان ترکی بودند که بسامد وقوع به نسبت تعداد ضرب‌المثل‌های بررسی شده در هر زبان آورده شده است.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی شناختی^۱، معنی‌شناسی شناختی^۲، استعاره مفهومی^۳، نگاشت‌نام^۴، عواطف و احساسات، ضرب‌المثل، عشق.

۱. مقدمه

بعد از کارهای کووچش^۵ (۱۹۹۰، ۲۰۰۰) بحث استعاره و عواطف به شکل جدی‌تر دنبال شد. در واقع، رویکردی جدید در معنی‌شناسی شناختی شکل گرفت که در آن پیوند میان حوزه عواطف و شناخت انسان بیش از پیش آشکار شد و پژوهشگران را گاه به این تکاپو انداخت که ضمن پیدا کردن چگونگی مفهوم‌سازی عواطف از طریق استعاره‌ها، حتی به مقایسه تطبیقی استعاره‌های مفهومی عواطف در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف بپردازند. بی‌شک، شناخت جنبه‌های مختلف مفهوم‌سازی عواطف و شناخت حوزه‌های مبدأ و مقصد در هر فرهنگی به شناخت بهتر جهان‌بینی‌ها در آن فرهنگ‌ها منجر می‌شود. از دیگر سو، شناخت استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌ها می‌تواند ابزار خوبی برای تبیین قسمتی از اندیشه اقوام و ملل باشد. مثل‌ها در فرهنگ ریشه دارند و بیانگر باورهای اجتماعی و اخلاقی هر ملت هستند. ضرب‌المثل‌ها از معنای لفظی واژه‌ها عبور می‌کنند و به معنای استعاری آن‌ها می‌رسند. مطالعه ضرب‌المثل‌های هر ملت به خوبی می‌تواند خلیات، عادات خوب و بد، فکر و اندیشه، حساسیت‌ها و یا علایق مردمان را نشان دهد. ضرب‌المثل‌ها نشان‌دهنده رفتارهای بهنجار و نابهنجار و ارزش‌ها و ضدارزش‌های اجتماعی هستند که مردم آن‌ها را پذیرفته و یا رد کرده‌اند. از این حیث امثال و حکم بیش از ادب مکتوب و شعر و نثر تجلی‌گاه اندیشه‌های اجتماعی است؛ زیرا شعر و ادبیات نویسندگانی مشخص و معلوم دارند؛ اما ضرب‌المثل‌ها از بطن جامعه درآمده و سینه به سینه تا به امروز رسیده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۵). مثل‌ها بیانگر فرهنگ موجود در هر ملت، قبیله، قوم و عشیره هستند و نشان می‌دهند که کدام اندیشه نهفته در مثل فکری فراگیر، جهانی و انسانی را منعکس و بازگو می‌کند (همان، ۱۶).

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

در این مقاله به بررسی مفهوم عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی می‌پردازیم. بعد از بیان مسئله اصلی تحقیق به چگونگی مفهوم‌سازی عواطف و احساسات در زمینه عشق اشاره می‌شود. سعی بر این است که با کنکاش در استعاره‌های مفهومی مربوط به عشق در ضرب‌المثل‌های احساسی و عاطفی در سه زبان فارسی، ترکی و انگلیسی دریابیم که بیشترین حوزه‌های مبدأ به‌کار رفته در ضرب‌المثل‌های حوزه عشق هر یک از زبان‌ها کدام‌اند و پربسامدترین نگاهت‌نام در هر زبان کدام است. بر این اساس می‌توان به درک بهتری از نوع مفهوم‌سازی‌های به‌کار رفته در ضرب‌المثل‌های مربوط به عشق و تنوعات موجود در این زمینه رسید.

روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است. بدین صورت که ضرب‌المثل‌ها در حوزه عشق با معادل مفهومی یکسان از سه زبان فارسی، ترکی و انگلیسی به صورت دستی و از منابع مکتوب مختلف جمع‌آوری و حوزه‌های مبدأ و نگاهت‌نام هر کدام مشخص و توصیف می‌شود. از میان روش‌های مرسوم استخراج استعاره‌های مفهومی، این پژوهش به صورت جست‌وجوی دستی واژه‌های حوزه مقصد صورت پذیرفت. در پژوهش حاضر، عشق در قالب کلیدواژه‌های عشق، محبت، عاشق، معشوق به‌عنوان واژه‌های حوزه مقصد و دل به‌عنوان عضو بدن جهت مفهوم‌سازی عشق از میان منابع مذکور جست‌وجو شد. بعد از استخراج ضرب‌المثل‌ها در سه زبان با حوزه‌های مقصد مذکور، حوزه‌های مبدأ نیز مشخص شدند. روش استخراج دستی روشی بسیار زمان‌بر است؛ اما از آنجا که داده‌های ضرب‌المثل‌ها در سه زبان به صورت مدون در زبان‌شناسی به‌طور اعم و در زبان‌شناسی شناختی به‌طور اخص وجود نداشت، این روش مورد استفاده قرار گرفت. مطابقت ضرب‌المثل‌ها در سه زبان و یافتن معادل‌های همسان از منابع مختلف و با صرف بیشترین وقت ممکن صورت گرفت.

در این پژوهش سعی بر این است تا بررسی شود در هر ضرب‌المثل از هر سه زبان فارسی، ترکی و انگلیسی، حوزه‌های مبدأ و مقصد و نگاهت چگونه تعریف شده‌اند. در واقع، حوزه‌های مبدأ و مقصد در این سه زبان مقایسه می‌شود. می‌خواهیم ببینیم این حوزه‌ها برای هر زبانی در ضرب‌المثل‌های مشابه چگونه تعریف شده است. در تقسیم‌بندی استعاره‌ها از نظر گستردگی جغرافیایی معمولاً به دو نوع استعاره می‌رسیم.

استعاره‌هایی که در فرهنگ و رسوم یک ملت ریشه دارند و به اصطلاح فرهنگی هستند و استعاره‌هایی که می‌توانند همگانی و جهانی باشند. کووچش (2010) معتقد است که اگر از اظهارات زبان‌شناختی و استعاری در بین زبان‌های مختلف گذر کنیم و به جای استعاره‌های زبانی به استعاره‌های مفهومی بپردازیم، به تدریج متوجه می‌شویم بیشتر استعاره‌های مفهومی به صورت گسترده‌ای در بیشتر زبان‌ها ظاهر می‌شوند. مثلاً، استعاره مفهومی «زمان، فضاست» در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف مانند انگلیسی، چینی ماندری، هندی، و سسوتو^۶ وجود دارد. حال می‌خواهیم دریابیم تا چه حد این ادعای کووچش می‌تواند مورد قبول و فراگیر باشد.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه مفهوم‌سازی‌های استعاره عشق مطالعات زیادی در فارسی و انگلیسی انجام شده است که به دلیل محدودیت حجم مقاله تنها به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. پیشینه را در دو بخش مطالعات خارجی و داخلی ارائه می‌کنیم.

الف) مطالعات خارجی

کووچش (2000: 140) به تحقیقی اشاره می‌کند که با دانشجویانش انجام داده است. آن‌ها برای اثبات اینکه استعاره‌های مفهومی حوزه احساسات و عواطف جهانی هستند یا فرهنگ‌بنیاد، به دو نشریه زن مجاری زبان مراجعه کرده‌اند و استعاره‌ها را استخراج و با معادل‌های انگلیسی مطابقت دادند. مازه پوا (۱۳۹۲) به بررسی خصوصیات انعکاس مفهوم «دل» بر اساس نظریه استعاره مفهومی در زبان‌های فارسی و اوکراینی می‌پردازد و مجموعه شواهد زبانی را با استفاده از این نظریه مورد بررسی قرار می‌دهد. شرودر^۷ (2009) تنوعات فرهنگی در ساخت استعاری عشق بین دو جامعه زبانی برزیلی و آلمانی را با استناد به ۳۰ مصاحبه انجام شده در هر جامعه زبانی و بین افراد ۲۰-۳۰ سال بررسی می‌کند.

بارسلونا^۸ (2001) یک بررسی مقابله‌ای بین استعاره‌های مفهومی در زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی انجام داده است. رتووا^۹ (2008) در پایان‌نامه خود به بررسی

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

مقایسه‌ای مفاهیم استعاری شش حس خشم، ترس، شادی، غم، غرور و شرم در زبان اسلوواکی و زبان انگلیسی می‌پردازد. آگیش^{۱۰} (2007) در پایان‌نامه خود به بررسی تطبیقی کاربردی و شناختی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات حوزه عواطف و احساسات در دو زبان ترکی و یهودی اسپانیایی^{۱۱} می‌پردازد. کوینینگ^{۱۲} (136-134: 2013) استعاره در ضرب‌المثل‌های زبان ایرلندی را بررسی می‌کند. او درمی‌یابد که استعاره‌های مفهومی مربوط به عشق در سه نوع دیده می‌شود: عشق بیماری است، عشق سفر است و عشق آتش است.

کوبیا^{۱۳} (217: 2016) به ضرب‌المثل‌های زبان سواحیلی می‌پردازد و درنهایت به رابطه بین استعاره‌های مفهومی و فرهنگ می‌رسد.

ب) مطالعات داخلی

هاشمی (۱۳۹۲) در رساله دکتری خود به بررسی نظام‌های استعاری عشق در پنج متن عرفانی براساس نظریه استعاره شناختی پرداخته است. او استنباط می‌کند از آن جایی که عشق مفهومی انتزاعی است، از این رو عرفا برای توصیف آن، از عناصر حسی و ملموس بهره برده‌اند و برای بیان آن از زبان استعاری استفاده کرده‌اند. هاشمی در آثار مورد بررسی به این استنباط رسیده است که همه این آثار به‌لحاظ زبانی بیشتر شاعرانه و استعاری هستند و از حیث معنا در مقایسه با درس‌نامه‌های روشمند عرفانی، مبهم و پیچیده‌اند. نویسندگان آثار با توجه به فرهنگ و ایدئولوژی حاکم، دریافتی خاص از عشق داشته‌اند.

شریفیان (18: 2011) به بیان استعاری عضو چشم به‌عنوان جایگاهی برای عشق در زبان فارسی می‌پردازد. چشم حتی بیانگر شماری از خصوصیات رفتاری و شخصیتی در زبان فارسی است.

پیرزاد و همکاران (2012) استعاره‌های مفهومی در حوزه احساسات را در متون ادبی بین دو زبان فارسی و انگلیسی بررسی مقایسه‌ای کردند. آن‌ها در احساس عشق به استعاره‌هایی مانند عشق غذاست»، «عشق (مایعی در) ظرف است»، «عشق نزدیکی است» و «عشق پیوند است» رسیدند.

ذوالفقاری و عامری (2012) به تعاریف و مشخصه‌های مختلف که برای ضرب‌المثل از طریق پژوهشگران ایرانی، عربی و غربی ارائه شده است می‌پردازند؛ زیرا معتقدند که بهترین عامل برای شناسایی ضرب‌المثل‌های فارسی و درک تفاوت آن‌ها با ضرب‌المثل‌های دیگر ملل ارائه یک تعریف روشن و جامع از ضرب‌المثل‌های فارسی است.

نوین (۱۳۸۷) به ساختارهای ضرب‌المثل‌های ترکی اردبیلی می‌پردازد و آن‌ها را از لحاظ ساختاری در ادبیات و نه زبان‌شناسی تقسیم‌بندی می‌کند. ساختمان دستوری امثال را از انواع فعل‌ها و صیغه‌ها و زمان‌های گوناگون بررسی می‌کند و بعد به ساختار موضوعی آن‌ها می‌پردازد.

روشن و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان مبنای طرح‌واره‌های استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان به تحقیق در ضرب‌المثل‌های گیلانی بر مبنای طرح‌واره‌های تصویری ایوانس و گرین پرداختند.

رضایی و مقیمی (۱۳۹۴) استعاره‌های مفهومی را در ضرب‌المثل‌های فارسی بررسی می‌کنند و می‌نویسند: ضرب‌المثل‌ها نیز همچون استعاره‌های مفهومی با برقراری ارتباطی قراردادی بین حوزه‌های مبدأ و مقصد به انسان کمک می‌کنند تا با استفاده از برخی واژگان و عبارات، مفاهیم دیگر را درک کند؛ زیرا بین معنا یا مثال در کلیت خود و معنای کلمات تشکیل‌دهنده آن‌ها ارتباطی وجود ندارد.

مؤمنی (۱۳۹۵) به تحلیل مقابله‌ای استعاره مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی و فرانسه می‌پردازد. او استعاره‌های مفهومی موجود در پیکره ۷۰ ضرب‌المثل فرانسه با معادل‌های فارسی آن را بر اساس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در چارچوب معنی‌شناسی شناختی بررسی می‌کند.

حقیقی (۱۳۹۵) ۴۱ ضرب‌المثل کردی کرمانشاهی (گونه کنگاوری) مربوط به حیوانات را بر اساس مکانیزم‌های شناختی استعاره و مجاز در چارچوب مدل «استعاره زنجیره بزرگ»^{۱۴} لیکاف و ترنر و الگوهای پیشنهادی مندوزا و دیاز در خصوص تعامل میان مجاز و استعاره مورد بررسی قرار داد و با متناظرهای فارسی مقایسه کرد.

۳. مبانی نظری

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

۳-۱. استعاره‌های مفهومی

رویکرد جدید به استعاره اولین بار توسط جرج لیکاف و مارک جانسون^{۱۵} در سال ۱۹۸۰ در کتاب *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم* مطرح شد. نظرگاه آن‌ها به‌عنوان دیدگاه زبان‌شناسی‌شناختی به استعاره‌شناختی معروف شد (Kovecses, 2002: 6). بحث اصلی در زبان‌شناسی شناختی مطالعه استعاره‌ها به‌مثابه اندیشه و محصولات واقعی - سازی^{۱۶} ذهن انسانی است. هر استعاره روشی یگانه از تفکر و اندیشه درباره مفهومی خاص ارائه می‌دهد، بعضی از جنبه‌های حوزه مقصد را برجسته می‌کند و بعضی دیگر را نهان می‌سازد. به گفته پاپورتوا^{۱۷} (2014: 35). از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی استعاره عبارت است از درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر. زندگی به‌مثابه سفر، بحث و جدل به‌مثابه جنگ، عشق به‌مثابه سفر ... و بسیاری دیگر همه نمونه‌هایی هستند که در فکر و زبان ما جاری‌اند. یک راه ساده و کوتاه در توصیف و ارائه چنین دیدگاهی به‌استعاره می‌تواند چنین باشد: حوزه مفهومی الف همان حوزه مفهومی ب است که به آن استعاره مفهومی^{۱۸} گفته می‌شود (Kovecses, 2002: 14). ریمر^{۱۹} (2010: 247) با اشاره به نظریه مفهومی استعاره بیان می‌کند که در واقع استعاره ابزاری شناختی است که در نقش یک الگو عمل می‌کند تا اندیشه‌هایی که مفهوم‌های پیچیده‌ای دارند بتوانند بیان شوند. استعاره‌های مفهومی را بر اساس نقش‌های شناختی که دارند می‌توان در سه نوع کلی دسته‌بندی کرد (Kovecses, 2002: 33): الف) استعاره‌های ساختاری، ب) استعاره‌های هستی‌شناختی، ج) استعاره‌های جهت‌ی.

۳-۲. حوزه‌های مبدأ و مقصد و نگاهت

در بیان مفهوم استعاره مفهومی، دو حوزه و یک فرایند معرفی می‌شود. حوزه مبدأ، حوزه مقصد و فرایند نگاهت. در واقع، استعاره روشی است که از طریق آن گذر از یک حوزه مفهومی به حوزه مفهومی دیگر صورت می‌گیرد و از طریق فرایند نگاهت، ویژگی‌های دو حوزه شناختی که در قالب استعاره به یکدیگر مربوط شده‌اند با یکدیگر تطبیق داده می‌شود. هر حوزه مفهومی مجموعه منسجمی از تجربیات است. حوزه‌های مبدأ شامل مفاهیمی عینی و ملموس می‌شوند که با استفاده از آن‌ها حوزه‌های مقصد که

مفاهیمی اغلب انتزاعی هستند، درک می‌شوند (Kovecses, 2002). مباحثی مثل زندگی، بحث و جدل، عشق، نظریه، فکر و ... حوزه‌های مقصد هستند؛ در حالی که سفر، جنگ، ساختمان، غذا، گیاه و ... حوزه‌های مبدأ هستند (Ibid).

کووچش (2010) پربسامدترین حوزه‌های مبدأ و مقصد را معرفی کرده است؛ مانند بدن انسان، سلامتی و بیماری، حیوانات، گیاهان، ساختمان، گرما و سرما و ... در حوزه‌های مبدأ و احساس، میل، اخلاق، فکر، جامعه، سیاست، اقتصاد، روابط انسانی، زندگی، مرگ، مذهب و ... در حوزه‌های مقصد. اما با این حال او یادآور می‌شود که این موارد تمام حوزه‌هایی را که به‌عنوان مبدأ در استعاره‌های مفهومی شرکت می‌کنند دربر نمی‌گیرد. حوزه‌های مبدأ می‌تواند شامل ویژگی‌های متنوعی از جمله شکل، رنگ، اندازه، سختی، وزن و ... شوند.

۳-۳. استعاره در حوزه احساسات و عواطف

به‌نظر می‌رسد گویشوران هر زبانی واژه‌ها و اصطلاحات پایه‌ای خاصی را برای بیان احساسات و عواطف در نظر گرفته‌اند. مثلاً در زبان انگلیسی، این اصطلاحات پایه‌ای عبارت‌اند از: خشم، اندوه، ترس، لذت و عشق (Kovecses, 2002: 3).

در بحث عشق، کووچش (1986: 62) یک استعاره مرکزی برای عشق تعریف می‌کند و بیان می‌دارد که برای مفهوم‌سازی عشق مدلی است بر اساس اینکه عشق «یکی شدن دو بخش مکمل هم» است. کووچش برای مفاهیم احساسات و عواطف و مخصوصاً «احساسات پایه‌ای» مانند خشم، ترس، شادی، غم و عشق حوزه‌های عمومی مبدأ را با استناد به پژوهش‌های خود و دیگر پژوهشگران معرفی می‌کند. هر چند او اذعان می‌کند که این فهرست با توجه به پژوهش‌های آینده و بیشتر می‌تواند دست‌خوش تغییر شود. استعاره‌های مفهومی رایجی که کووچش برای عشق تعریف می‌کند بدین شرح است: عشق غذاست: تشنه عشقم. عشق سفر است: راه پرپیچ‌وخمی بود. عشق اتحاد است: دو روح‌ایم در یک بدن. جدایی‌ناپذیریم. عشق صمیمیت است: آن‌ها خیلی صمیمی هستند. عشق بند است: یک حلقه بسته بین آن‌ها وجود دارد و ... (Id, 2002: 26-27).

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

۴-۳. استعاره و ضرب‌المثل

اغلب اوقات پند و اندرزهای یک فرهنگ، پند و اندرزهای فرهنگ دیگری را نیز شامل می‌شود؛ زیرا همه آن‌ها حاصل تجارب عموم هستند (Collis, 2009: ix). هر زبانی ضرب‌المثل‌های خاص خودش را دارد. پیام آن واحد و مربوط به رنگ آن زبان خاص است. اما هر چقدر در پیام‌شناسی دقت کنیم، متوجه می‌شویم که بیشتر ضرب‌المثل‌ها معنا و پیام مشابهی را به اشکال گوناگون منتقل می‌سازند. ضرب‌المثل‌ها عموماً به‌عنوان مخازن دانایی مردم شناخته می‌شوند. گفتاری روشمند که به‌نظر می‌رسد احساس جمعی را در زندگی روزمره بیان می‌کنند. ضرب‌المثل‌ها موضوع خاصی را پوشش می‌دهند که بر اساس قالب‌های فرهنگی است (White, 1987). ضرب‌المثل‌ها آینه تمام‌نمای فرهنگ، هنجارهای اجتماعی، عقاید و اندیشه‌ها، طرز زندگی، منش، مناسبات، تمدن، اخلاق و معیار ذوق ملت‌هاست (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۱۵). دایره معنایی خاص آن‌ها ممکن است به درون‌بینی در قالب‌های فرهنگی منجر شود که از آن فرهنگ‌ها ظهور کرده‌اند. شاید بیشترین وجهه یک ضرب‌المثل استفاده افراطی آن از تصویر استعاری برای مفهوم‌سازی و بیان پیام اجتماعی باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که بیشتر ضرب‌المثل‌ها به‌طور آشکاری در ساخت خود استعاری هستند.

کووچش استعاره‌های مفهومی را به دو سطح تعمیم می‌دهد: سطح عام^{۲۰} و سطح خاص^{۲۱}. استعاره‌هایی مثل «زندگی سفر است»، «بحث جنگ است»، «اندیشه خوراکی است» و این قبیل استعاره‌ها را جزو استعاره‌های خاص می‌داند که در سطح خاص و ویژه اتفاق می‌افتند. بدین‌صورت که با جزئیات دقیق بیان می‌شوند؛ اما استعاره‌های سطح عام ساختارهایی بسیار کلی و عمومی دارند. در استعاره‌ای مانند «رویداد کنش است» با یک پدیده کلی سروکار داریم که این رویداد عام می‌تواند رویدادهای خاص‌تری را شامل شود مانند مردن، سوختن، مریض شدن، سفر کردن و غیره (Kovecses, 2002: 38-39).

کووچش ضرب‌المثل‌ها را غالباً دارای مفاهیم سطح خاص می‌داند که در سطح عام تفسیر می‌شود. او ضرب‌المثلی را برای نمونه می‌آورد: «پرندۀ سحرخیز، کرم را می‌گیرد»، در اینجا «پرندۀ»، «کرم» و «سحرخیز بودن» مفاهیمی در سطح خاص هستند

که در این صورت فهم آن ساده است. اما تفسیر این استعاره در سطح عام به این معنی که «پرنده سحرخیز» کسی است که کاری را زودتر از بقیه شروع می‌کند، «گرفتن کرم» یعنی اینکه به مطلوب خود می‌رسد و «کرم» همان «چیز مطلوب» است. بنابراین تفسیر کلی این ضرب‌المثل در سطح عام این‌گونه است که «اگر کسی زودتر از بقیه به کاری دست بزند قبل از بقیه به مطلوب خود می‌رسد» (Ibid, 39). بدین صورت می‌توان ضرب‌المثل‌ها و استعاره‌های نهفته در آن‌ها را تفسیر کرد.

کووچش سپس ضرب‌المثل‌هایی را از زبان‌های گوناگون و با مضمون عشق می‌آورد و استعاره‌های مفهومی آن‌ها را مشخص می‌سازد:

الف) استعاره مفهومی «عشق آتش است»:

فرانسوی: انسان با عشق و آتش بزرگ می‌شود.

سوئدی: عشق و آتش در شلوارتان پنهان نمی‌شوند.

انگلیسی: عشق یخ و برف سردترین مکان‌ها را هم آب می‌کند.

ب) استعاره مفهومی «عشق بیماری است»:

ژاپنی: فرقی ندارد از بیماری بمیرید یا از عشق.

انگلیسی: برای درد عشق هیچ مرهمی وجود ندارد.

فیلیپینی: عشق مفرط شکست دل را موجب می‌شود (Ibid, 178, 260).

حال در بخش بعدی به تحلیل استعاره‌های عشق در سه زبان فارسی، انگلیسی و

ترکی پرداخته می‌شود.

۴. تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، با جست‌وجو در منابع بیش از ۱۰ هزار ضرب‌المثل مورد مطالعه قرار گرفت که در این بین تعداد ۲۰۱ ضرب‌المثل حاوی استعاره مفهومی عشق در سه زبان فارسی (۸۴ مورد)، انگلیسی (۸۶ مورد) و ترکی (۳۱ مورد) یافت شد. در این پژوهش زبان ترکی شامل دو گویش استانبولی و آذری است و از منابع هر دو گویش استفاده شده است. در مورد ضرب‌المثل‌های زبان انگلیسی نیز منظور انگلیسی بریتانیا و امریکایی است. تلاش شده است تنها از ضرب‌المثل‌های انگلیسی استفاده شود؛ اما

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

گاهی ضرب‌المثل‌های دیگر ملل اروپایی نیز در این فهرست آمده است، هر چند تعداد آن‌ها بسیار کم بود.

نکته مهمی که باید ذکر شود این است که نحوه تعیین نگاشت‌نام‌ها به سادگی طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد معیاری مشخص در تعیین نوع نگاشت‌نام وجود ندارد و بیشتر طرز فکر و سلیقه پژوهشگران در این زمینه تأثیرگذار است. این مسئله و سردرگمی به خصوص در ضرب‌المثل نمود بیشتری پیدا می‌کند. نمونه زیر را می‌توان مثال آورد:

«از دل برود هر آنچه از دیده برفت»

نگاشت‌نامی که به ذهن نگارندگان رسید «عشق دیدن است» بود. شاید برای پژوهشگران دیگر این نگاشت‌نام متفاوت باشد. این مسئله در مورد حوزه مبدأ نیز می‌تواند صادق باشد.

نکته دیگر مشخص ساختن چارچوب دقیق برای تعریف یک ضرب‌المثل است. شاید در ضرب‌المثل بودن یا نبودن عبارتی مانند «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق» شک و شبهه باشد. به همین دلیل معیار ضرب‌المثل‌ها در این پژوهش، منابع ارجاعی هستند.

در این مرحله، نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ عشق تعیین و بسامد آن‌ها مشخص می‌شود.

۴-۱. نگاشت‌نام‌های استعاره‌های مفهومی عشق در فارسی

از میان ۸۴ ضرب‌المثل حاوی استعاره‌های مفهومی حوزه عشق در زبان فارسی در منابع مورد بررسی، ۳۹ نگاشت‌نام یافت شد. پربسامدترین نگاشت‌نام عشق، بلا، درد، رنج و بیماری (مانند: بیماری عشق را علاجی دگر است / عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد) با ۱۰ مورد بسامد وقوع بود.

در جدول ۱ نگاشت‌نام‌های حوزه عشق در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی همراه با بسامد وقوع هر کدام از آن‌ها بیان شده‌اند:

جدول ۱: نگاشت‌نام‌های حوزه عشق در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی

نام نگاشت	بسامد وقوع	نام نگاشت	بسامد وقوع
عشق / بلا/درد/رنج/بیماری است	۱۰	عشق نزدیک است	۱
عشق روشنایی است	۷	عشق دل شکستگی است	۱
عشق / محبت جاده / راه است	۶	عشق بی دلیل و منطق است	۱
عشق زندگی / زنده است	۶	عشق پل است	۱
عشق دلیل / علت / سبب است	۴	عشق گیاه است	۱
عشق خوشی / خوبی / زیبایی است	۴	عشق تب تند است	۱
عشق میوه / کالاست	۳	عشق غم است	۱
عشق جهل است	۳	عشق آسان دیدن مشکل است	۱
عشق سیری است	۳	عشق پررو است	۱
عشق نهن است	۳	عشق آتش است	۱
عشق اتفاق / حادثه / کنش است	۲	عشق بی چیز شدن است	۱
عشق نیروست	۲	عشق قاتل است	۱
عشق وفاداری است	۲	عشق بدگمانی است	۱
عشق دیدن است	۲	عشق جاودان است	۱
عشق ندیدن است	۲	عشق کر است	۱
عشق کور است	۲	عشق ناکامی است	۱
عشق عزیز است	۱	عشق از خودگذشتگی است	۱
عشق گسترده / فراگیر است	۱	عشق رسوایی است	۱
عشق یار خوب داشتن است	۱	عشق رؤیاست	۱
عشق دیوانگی / جنون است	۱		

۲-۴. نگاشت نام‌های استعاره‌های مفهومی عشق در انگلیسی

از میان ۸۶ ضرب‌المثل حاوی استعاره‌های مفهومی حوزه عشق در زبان انگلیسی در منابع مورد بررسی، ۳۸ نگاشت نام یافت شد. پربسامدترین نگاشت نام [عشق روشنایی است] با ۹ مورد بسامد وقوع بود.

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

مثال:

Love, a cough and the itch cannot be hid.

در جدول ۲ نگاشت‌نام‌های حوزه عشق در ضرب‌المثل‌های زبان انگلیسی همراه با بسامد وقوع هر کدام از آن‌ها بیان شده است.

جدول ۲: نگاشت‌نام‌های حوزه عشق در ضرب‌المثل‌های زبان انگلیسی

نام‌نگاشت	بسامد وقوع	نام‌نگاشت	بسامد وقوع
عشق روشنایی است	۹	عشق عشق به فرزندان است	۱
عشق بیماری / ناخوشی / درد / بلا / رنج است	۸	عشق راه / جاده است	۱
عشق دیدن است	۷	عشق اختیار است	۱
عشق جاودان است	۶	عشق اسارت است	۱
عشق دیوانگی / جنون است	۴	عشق حادثه / اتفاق است	۱
عشق سیری است	۴	عشق رؤیاست	۱
عشق علت / سبب / دلیل است	۴	عشق زندگی است	۱
عشق زیبایی / خوشی است	۳	عشق محتاط است	۱
عشق دوطرفه است	۳	عشق نیروست	۱
عشق کور است	۳	عشق یار خوب است	۱
عشق فراگیر است	۲	عشق پل است	۱
عشق نزدیک است	۲	عشق اعتماد / وفاداری است	۱
عشق کالا است	۲	عشق تب تند است	۱
عشق بیهودگی است	۲	عشق غم است	۱
عشق آسان دیدن مشکل است	۲	عشق ندیدن است	۱
عشق بدون منطق و دلیل است	۲	عشق جسارت است	۱
عشق نهان است	۲	عشق شکوفایی است	۱
عشق خودستایی است	۲	عشق عمیق است	۱
عشق بازی است	۱	عشق بیننده دورهاست	۱

۳-۴. نگاشت‌نام‌های استعاره‌های مفهومی عشق در ترکی

از میان ۳۱ ضرب‌المثل حاوی استعاره‌های مفهومی حوزه عشق در زبان ترکی در منابع مورد بررسی ۱۹ نگاشت‌نام یافت شد. پربسامدترین نگاشت‌نام [عشق روشنایی است] با ۷ مورد بسامد وقوع بود؛ مانند:

عشق پشت و رو ندارد

eşqin terse avandi olmaz

در جدول ۳ نگاشت‌نام‌های حوزه عشق در ضرب‌المثل‌های زبان ترکی همراه با بسامد وقوع هر کدام از آنها بیان شده‌اند:

جدول ۳: نگاشت‌نام‌های حوزه عشق در ضرب‌المثل‌های زبان ترکی

نام نگاشت	بسامد وقوع	نام نگاشت	بسامد وقوع
عشق روشنایی است	۷	عشق رسوایی است	۱
عشق دیدن است	۴	عشق نیروست	۱
عشق راه/ جاده است	۲	عشق سیری است	۱
عشق دو طرفه است	۲	عشق کالا است	۱
عشق درد است	۲	عشق آسان دیدن مشکل است	۱
عشق کور است	۱	عشق پرویی است	۱
عشق فراگیر است	۱	عشق جاودان است	۱
عشق زیبایی است	۱	عشق ندیدن است	۱
عشق نزدیک است	۱	عشق سبب است	۱
عشق راز است	۱		

۴-۴. نگاشت‌نام‌های استعاره‌های مفهومی عشق در سه زبان فارسی، انگلیسی و ترکی

از میان ۲۰۱ ضرب‌المثل حاوی استعاره مفهومی عشق در سه زبان فارسی (۸۴ مورد)، انگلیسی (۸۶ مورد) و ترکی (۳۱ مورد)، مجموعاً ۹۶ نام‌نگاشت (زبان فارسی ۳۹ مورد،

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

زبان انگلیسی ۳۸ مورد و زبان ترکی ۱۹ مورد) استخراج شد. تعداد ۱۵ نگاشت‌نام در هر سه زبان مشترک بودند.

در جدول ۴ نگاشت‌نام‌های حوزه عشق در ضرب‌المثل‌های زبان‌های فارسی، انگلیسی و ترکی آمده و برای نگاشت‌نام‌های مشترک بین سه زبان نیز نمونه‌هایی بیان شده است.

جدول ۴: نگاشت‌نام‌های حوزه عشق در ضرب‌المثل‌های زبان‌های فارسی، انگلیسی و ترکی

فارسی	انگلیسی	ترکی	استعاره مفهومی	فارسی	انگلیسی	ترکی	استعاره مفهومی
+	-	+	عشق پررویی است	+	+	+	عشق بلا/ درد/ رنج/ بیماری است
-	+	-	عشق شکرغابی است	+	+	+	عشق روشنائی است
-	+	-	عشق جسارت است	+	+	+	عشق جاده/ راه/ سفر است
-	+	-	عشق بیهودگی است	-	+	+	عشق زندگی/ زنده است
+	+	+	عشق آسان دیدن مشکل است	+	+	+	عشق دلیل/ علت/ سبب است
-	+	-	عشق عمیق است	+	+	+	عشق خوشی/ خوبی/ زیبایی است
-	+	-	عشق بیننده دورهاست	+	+	+	عشق میوه/ کالاست
-	+	-	عشق خوره‌ستای است	-	-	+	عشق جهل است
-	+	-	عشق یازی است	+	+	+	عشق سیری است
-	+	-	عشق عشق به فرزندان است	-	+	+	عشق نهان است
+	+	-	عشق دوطرفه است	-	+	+	عشق اتفاق/ حادثه/ کنش است
-	+	-	عشق اختیار است	+	-	+	عشق نیرو است
-	+	-	عشق اسارت است	-	+	+	عشق اعتماد/ وفاداری است
+	-	-	عشق راز است	+	+	+	عشق دیدن است
-	+	+	عشق غم است	+	+	+	عشق ندیدن است
-	+	-	عشق محتاط است	+	+	+	عشق کور است
-	-	+	عشق آتش است	-	-	+	عشق عزیز است
-	-	+	عشق بی‌چیز شدن است	+	+	+	عشق گسترده/ فراگیر است
-	-	+	عشق قاتل است	-	+	+	عشق یار خوب داشتن است
-	-	+	عشق بدگمانی است	-	+	+	عشق دیوانگی/ جنون است
+	+	+	عشق جاودان است	+	+	+	عشق نزدیک است
-	-	+	عشق کبر است	-	-	+	عشق دل‌شکستگی است
-	-	+	عشق ناکامی است	-	+	+	عشق بی‌دلیل و منطقی است
-	-	+	عشق از خودگذشتگی است	-	+	+	عشق پل است
+	-	+	عشق رسوایی است	-	-	+	عشق گیاه است
-	+	+	عشق رقیامت	-	+	+	عشق تب تند است

نگاشت‌نام‌های مشترک بین سه زبان:

عشق بلا/ درد/ رنج/ بیماری است:

فارسی: عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد.

انگلیسی: Love is full of trouble

ترکی: her nyin bir derdi var, heç kime demez ağlar

عشق روشنایی است:

فارسی: عشق و مشک پنهان نمی ماند.

انگلیسی: Love and light cannot be hide

ترکی: eşqin terse avandi olmaz

عشق جاده / راه / سفر است:

فارسی: راه عشق راهی پر پیچ و خم است.

انگلیسی: Love will find a way

ترکی: mohebbetin yolunu bağlamaq olmaz

غیر از موارد مشترک بالا، در این بین بعضی نگاهت نامها مختص زبان خودشان هستند. برای مثال در زبان فارسی وجود نگاهت نامهایی مانند «عشق بی چیز شدن است» در «عشق از افلاس می گیرد نمک»، «عشق قاتل است» «عشق از اول سرکش و خونی بود»، «عشق جهل است» در «عشق است و مفلسی و جوانی و نوبهار»، «عشق دل شکستگی است» در «دست شکسته به کار میره، دل شکسته به کار نمی ره» و «عشق بدگمانی است» در ضرب المثل «عشق است و هزار بدگمانی» نوع خاصی از عشق را نشان می دهند که شاید در فرهنگ و زبانی مثل ترکی یا انگلیسی نیست. به نظر می رسد گرایش کلی عشق در زبان فارسی، بلا / درد / رنج و بیماری باشد. گویشوران فارسی زبان عشق را معادل رنج و درد می دانند که با مراجعه به آثار ادبی و عرفانی ادبا و شاعران نیز می توان به این بینش رسید. «درد عشقی کشیده ام که مپرس...» (حافظ)، «روی مرا هجر کرد زردتر از زر / گردن من عشق کرد نرم تر از دخ» (رودکی)، «چنان کز سال و مه تنین شود مار / شود عشق از ملامت صعب و دشوار» (منوچهری) و بسیاری نمونه های دیگر.

در مقابل، در زبان ترکی نگاهت نامهایی مانند «عشق پرویی است» در "aşiqe üz

"sırvi deme dostuva, veren yerde az qalsa yüz il qalar" و / عشق راز است» در

"dostuvun da bir dostu var" نوع دیگری از عشق را در ذهن گویشوران این زبان

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

تداعی می‌کند که بی‌شک به سابقه فرهنگی و تاریخی زبان و فرهنگ ترکی برمی‌گردد. در زبان انگلیسی وجود نگاشت‌نام‌هایی مانند «عشق شکوفایی است» در "A happy heart makes a blooming visage" «عشق جسارت است» در "He jests at scars who never felt a wound"، و یا «عشق، عشق به فرزندان است» در "He that has no children knows not what love is" نگاه برون‌گرایانه‌تری به عشق می‌دهد.

۵-۴. حوزه‌های مبدأ در ساخت استعاره‌های عشق در ضرب‌المثل‌های سه زبان فارسی،

انگلیسی و ترکی

یافته‌ها نشان داد که در میان ۲۰۱ ضرب‌المثل حاوی استعاره مفهومی عشق در سه زبان فارسی (۸۴ مورد)، انگلیسی (۸۶ مورد) و ترکی (۳۱ مورد)، پربسامدترین حوزه مبدأ که برای مفهوم‌سازی عشق به کار می‌رود، به ترتیب حوزه‌های مبدأ «انسان/ بدن انسان»، «روشنایی و تاریکی»، «جامعه/ محیط»، و «نیرو» در زبان فارسی است؛ مانند: انسان/ بدن انسان: آدم عاشق کور است/ عاشق غیب معشوق را نمی‌بیند. در زبان انگلیسی «روشنایی و تاریکی»، «انسان/ بدن انسان»، «نیرو»، و «سلامتی و بیماری»، مانند:

روشنایی و تاریکی:

Better be alone than in bad company/ Love is without reason

و در زبان ترکی «انسان/ بدن انسان»، «جامعه/ محیط»، «حرکت و جهت»، و «ماده/

شیء»، مانند:

انسان/ بدن انسان:

aşiq olan kor dur/ gözden geden könülen geder

عاشق کوره/ از چشم بره از دل می‌ره

در جدول ۵ حوزه‌های مبدأ در ساخت استعاره‌های عشق در ضرب‌المثل‌های

زبان‌های فارسی، انگلیسی و ترکی با بسامد وقوع به نسبت تعداد ضرب‌المثل‌های

بررسی شده در هر زبان آورده می‌شود:

جدول ۵: حوزه‌های مبدأ در ساخت استعاره‌های عشق در ضرب‌المثل‌های زبان‌های فارسی، انگلیسی و ترکی - بسامد وقوع به نسبت تعداد ضرب‌المثل‌های بررسی شده در هر زبان

حوزه مبدأ	فارسی	انگلیسی	ترکی
انسان/ بدن انسان	۸۴/۲۳	16/86	9/31
روشنایی و تاریکی	۸۴/۱۴	27/86	2/31
جامعه/ محیط	۸۴/۱۱	7/86	9/31
نیرو	۸۴/۱۱	8/86	1/31
سلامتی و بیماری	۸۴/۷	7/86	1/31
حرکت و جهت	۸۴/۶	5/86	4/31
ماده/ شیء	۸۴/۵	4/86	2/31
آشپزی و غذا	۸۴/۳	۱/86	1/31
حیوانات	۸۴/۲	4/86	1/31
دستگاه و ابزار	۸۴/۱	2/86	-
گیاهان	۸۴/۱	3/86	-
بازی و ورزش	-	۱/86	-
گرما و سرما	-	۱/86	-
رنگ	-	-	2/31

در حوزه مبدأ «انسان/ بدن انسان» در زبان فارسی به‌عنوان پربسامدترین حوزه مبدأ می‌توان به پویایی و جاننداری عشق و زنده بودن آن در ذهن گویشوران رسید. در ضرب‌المثل‌هایی مانند «عشق کور است»، «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق»، «تب تند زود عرق می‌کند» و یا «مرده باشد دلی که عاشق نیست» گویای این مسئله است. حوزه مبدأ «روشنایی و تاریکی» که در مرحله بعد قرار دارد عشق و مقابل عشق را (معشوق) در قامت روشنایی و تاریکی نشان می‌دهد. در ضرب‌المثلی مانند «عشق - بازی با دو معشوقه بد است» بدی در مقابل خوبی یا روشنایی در مقابل تاریکی تصویر می‌شود. در «عشق را بنیاد بر ناکامی است» ناکامی یعنی تاریکی که بنیاد عشق است. در مقابل، در زبان ترکی جامعه و محیط اطراف منبعی برای ارجاع ملموس عشق بودند. در

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

ضرب‌المثلی مانند "xeyr iste qonşuva, xeyr gelsin başuva" که نیکی به همسایه نوعی عشق محسوب می‌شود و یا ضرب‌المثل‌هایی مانند "qiz qizsa tez soyar, vay o" و "günde ki dul qiza" و "aşiqe beğdad uzaq deyil" نمونه‌هایی از این مسئله هستند. در زبان ترکی نیز مانند زبان فارسی حوزه مبدأ «انسان/ بدن انسان» نیز جزو پربسامدهاست. ضرب‌المثل‌هایی مانند "könül sören göyçək ölar" ، " gözden " و "geden könülen geder" و "mohebbet gözde dir" بیانگر این مسئله هستند. در این مورد زبان‌های فارسی و ترکی حوزه‌های مبدأ مشابهی دارند. در انگلیسی نیز مانند زبان‌های ترکی و فارسی حوزه‌های مبدأ «روشنایی و تاریکی» و «انسان/ بدن انسان» پربسامدترین هستند. ضرب‌المثل‌هایی مانند "Hatred is blind, as well as love" (حوزه مبدأ: انسان/ بدن انسان)، "Love is without reason" (حوزه مبدأ: روشنایی و تاریکی)، و "True love never grows old" (حوزه مبدأ: روشنایی و تاریکی، درستی در برابر نادرستی) مؤید این مسئله هستند.

۵. نتیجه

در این پژوهش تلاش شده است تا نشان داده شود در هر ضرب‌المثل از هر سه زبان فارسی، ترکی و انگلیسی، حوزه‌های مبدأ و نگاشت‌نام‌ها چگونه تعریف شده‌اند. پس از جست‌وجو در منابع، موفق به استخراج ۲۰۱ ضرب‌المثل حاوی استعاره مفهومی عشق در سه زبان فارسی (۸۴ مورد)، انگلیسی (۸۶ مورد) و ترکی (۳۱ مورد) شدیم که بر این مبنا مجموعاً ۹۶ نام‌نگاشت زبان فارسی (۳۹ مورد)، زبان انگلیسی (۳۸ مورد) و زبان ترکی (۱۹ مورد) یافت شد. تعداد ۱۵ نگاشت‌نام در هر سه زبان مشترک بودند. به غیر از ۱۵ مورد مذکور، تعداد ۱۱ مورد فقط بین زبان‌های فارسی و انگلیسی، ۲ مورد فقط بین زبان‌های فارسی و ترکی و ۱ مورد فقط بین زبان‌های انگلیسی و ترکی مشترک بودند. در زبان فارسی پربسامدترین نگاشت‌نام «عشق، بلا، درد، رنج، و بیماری است» و در زبان انگلیسی و زبان ترکی نیز پربسامدترین نگاشت‌نام «عشق روشنایی است» بود. به نظر می‌رسد اگر از لحاظ جغرافیایی به زبان‌ها نگاه کنیم مجاورت جغرافیایی، به تشابهات فرهنگی منجر می‌شود و در نتیجه انتظار می‌رود که استعاره‌های مفهومی

مشابهی تولید شود. با نگاهی به مطالب بالا، چنین فرضی محتمل به نظر نمی‌رسد. مثلاً هر چند گویشوران زبان‌های فارسی و ترکی به لحاظ جغرافیایی در مجاورت هم قرار دارند؛ اما در تولید استعاره‌های مفهومی مشابه هم عمل نکرده‌اند. می‌توان در پژوهشی جداگانه به این مسئله و چرایی آن بیشتر پرداخت.

هر چند در کلیت، استعاره‌ها با توجه به نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ مشترک در هر سه زبان مورد پژوهش، به‌طور عام تقریباً جهانی هستند؛ اما با تحلیل‌های انجام‌شده می‌توان استنباط کرد اگرچه تقریباً گویشوران این سه زبان از یک الگوی واحد فرهنگی برای تولید استعاره عشق استفاده می‌کنند با این حال به نظر می‌آید تفاوت‌های فرهنگی باعث تولید نگاشت‌نام‌های متفاوت نیز شده است که گرایش کلی گویشوران این زبان‌ها را مشخص می‌سازد.

در نهایت اینکه با مشخص ساختن بسامد وقوع^{۲۲}، بسامد نوع^{۲۳}، تعداد نگاشت‌ها و دامنه حوزه‌های مبدأ می‌توان به وجوه متفاوت این استعاره‌های مفهومی در زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت دست پیدا کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. cognitive linguistics
2. cognitive semantics
3. conceptual metaphor
4. Mapping
5. Kovecses
6. Sesotho
7. Schroder
8. Barcelona
9. Retova
10. Agiş
11. Judeo-Spanish
12. Coinnigh
13. Kobia
14. Great chain metaphor
15. Johnson
16. Reality-constructing

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

17. Pavpertova
18. conceptual metaphor
19. Riemer
20. generic
21. specific
22. token
23. type

منابع

- پازارگادی، علاء‌الدین (۱۳۷۰). *فرهنگ فارسی به انگلیسی (عبارات و اصطلاحات متداول)*. تهران: نظر.
- پانوسیان، تمار (۱۳۸۶). *زبانزدهای ارمنی-فارسی-انگلیسی*. تورنتو: نشر لوئیس.
- کانار، محمد (۱۳۸۴). «فرهنگ جامع ترکی استانبولی به فارسی». تهران: پویند الماس دانش.
- گلشن، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ اصطلاحات فارسی-انگلیسی*. تهران: راهیان.
- قنبری، عبدالله (۱۳۸۰). *فرهنگ امثال و حکم فارسی-انگلیسی*. تهران: رهنما.
- حقیقی، مه‌ری (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های کردی کرمانشاهی و فارسی از منظر معنی‌شناسی شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی. دانشگاه الزهرا (س).
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. ج ۶. تهران: امیرکبیر.
- دیویدف، هنری (۱۳۸۶). *فرهنگ ضرب‌المثل‌ها*. ترجمه فرید جواهرکلام. تهران: فرهنگ معاصر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). «بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *نجوای فرهنگ*. ش ۳. صفحات ۱۵-۲۴.
- _____ (۱۳۸۷). «تفاوت کنایه با ضرب‌المثل». *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۰. صص ۱۰۹-۱۳۳.
- رضایی، محمد و نرجس مقیمی (۱۳۹۴). «بررسی استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *مطالعات زبانی بلاغی*. س ۴. ش ۸. صص ۹۱-۱۱۶.

- روشن، بلقیس و همکاران (۱۳۹۲). «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان». *زبان‌شناخت*. س ۴. ش ۲. صص ۷۵-۹۴.
- هاشمی، زهره (۱۳۹۲). «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون». *ادب‌پژوهی*. ش ۱۲. صص ۱۱۹-۱۴۰.
- مازہ پوا، یلنا (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی مفهوم دل براساس نظریه استعاره مفهومی در تعابیر مصطلح فارسی و اوکراینی». *پژوهش‌های ادبی و بلاغی*. س ۲. ش ۱. صص ۹۰-۱۰۱.
- محبی، بیوک (۱۳۶۸). *امثال و حکم: انگلیسی-فارسی-ترکی*. تبریز: ایرانیان.
- مجیدی ذوالبنین، حبیب (۱۳۸۹). *ضرب‌المثل‌های آذربایجان*. تهران: اکباتان.
- مومنی، شهناز (۱۳۹۵). *تحلیل مقابله‌ای استعاره مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی و فرانسه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه سمنان.
- نوین، حسین (۱۳۸۷). «بررسی و تبیین ساختار اجتماعی - فرهنگی ضرب‌المثل‌های ترکی استان اردبیل». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. دوره جدید. ش ۲۳.
- هاشمی، زهره (۱۳۹۲). *بررسی نظام‌های استعاری عشق در پنج متن عرفانی بر اساس نظریه استعاره شناختی*. رساله دکتری دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- یوسفی، محمدحسن (۱۳۷۷). *اثرل سوزلری (ضرب‌المثل‌های ترکی)*. تهران: اندیشه نو.
- AGIŞ, Fazila Derya (2007). *A comparative Cognitive Pragmatic Approach to the Judeo-Spanish and Turkish Proverbs and Idioms that Express Emotions*. Hacettepe University Graduate School of Social Sciences English Linguistics. Master's Thesis, Ankara.
- Barcelona, Antonio (2001). "On the Systematic Contrastive Analysis of Conceptual Metaphors: Case Studies and Proposed Methodology". eds. M. Pütz & et al. *Applied Cognitive Linguistics II: Language Pedagogy*. Berlin: Mouton de Gruyter, 117-146.-
- Coinnigh, M. M. (2013). "The heart of Irish-language proverbs: a linguo-stylistic analysis of explicit metaphor". *Proverbium: Yearbook of international proverb scholarship*. no.30. pp.113-150. United States.-
- Collis, H. (2009). "101 American English proverbs". *McGraw-Hill Companies, Inc.*-
- Croft, William & D. Alan Cruse (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.

استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های فارسی، انگلیسی و ترکی ----- بهروز ابراهیمی و همکاران

- Evans, Vyvyan & Melanie Green (2006). *Cognitive Linguistics, an Introduction*, Edinburg University Press-
- Evans, Vyvyan (2007). *A Glossary of Cognitive Linguistics*. Edinburg University Press-
- Geeraerts, Dirk (1997). *Diachronic Prototype Semantics*. Oxford Clarendon Press.
- Kartal, N. (2000). *Atasozleri ve Deyimler Sozlugu*. Ankara: Inkilap,
- Kobia, M. J. (2016). "A conceptual metaphorical analysis of Swahili proverbs with reference to chicken metaphor *Intrrrttt illlll oooaad ff Education and Research*. Vol. 4. No. 2.
- Kovecses, Z. (1986). *Metaphors Metaphor of Anger, Pride, and Love: a Lexical Approach to the Structure of Concepts*. Amsterdam: Jhon Benjamins Publishing Company
- Kovecses, Z. (2000). *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*. Cambridge university press.-
- _____ (2002). *Metaphor, a Practical Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- _____ (2003). "The scope of metaphor". *Metaphor and metonymy at the crossroads: a cognitive perspective*. by: Antonio Barcelona, Mouton de Gruyter. pp. 79-92.
- _____ (2010). *Metaphor and Culture*. Acta Universitatis Sapientiae, Philologica. 2, 2 (2010). Pp. 197-220-
- _____ (2014). "Conceptualizing Emotions: a Revised Cognitive Linguistic Perspective". *Poznan Studies in Contemporary Linguistics*. No. 50(1). pp 15-28. faculty of English, Adam Mickiewicz University, Poznan, Poland.
- Gurbanghulu, A. (2013). *English-Azerbaijani Proverbial Dictionary*. Trafford Publishing, United State of America
- Lakoff, G. (1987). *Woman, Fire, and Dangerous Things*. the university of Chicago
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: The University of Chicago Press-
- Lakoff, G. & et al., (1989). Master Metaphor List , at: <http://araw.mede.uic.edu/~alansz/metaphor/METAPHORLIST.pdf>
- Lakoff, G. (1993). "the contemporary theory of metaphor", ed.A. Ortony. *metaphor and Thought*. pp. 202-251. Cambridge: Cambridge University Press.
- Maalej, Z. (2004). "figurative language in anger expressions in Tunisian Arabic: an extended view of embodiment". *Metaphor and Symbol*. NO.19(1). PP. 51-75-
- Pavpertova, Olga. (2014). "Corpus-based Analysis of Conceptual Metaphors of Happiness in Russian and English". *Cognitive Explorations into Metaphor and Metonymy*. Peter Lang edition. pP. 35-50

- Patowari, J. (2015). "A comparative analysis of emotion conceptual metaphor in English and Bangla". *Language in India*. ISSN 1930-2940. Vol. 15. NO. 11.-
- Pirzad Mashak, S. & et al., (2012). "A comparative study on basic emotion conceptual metaphors in English and Persian literary texts". *International Education Studies*. Vol. 5. No. 1. –
- Retová, D. (2008). *Analysis of conceptual metaphors of selected emotions in Slovak language*. [Diploma thesis]. – University of Comenius in Bratislava. Faculty of Mathematics, Physics and Informatics.-
- Riemer, Nick (2010). *Introducing Semantics*. Cambridge university press.
- Schroder, A. U. (2009). "Preferential metaphorical conceptualizations in everyday discourse about love in Brazilian and German speech communities". *Metaphor and Symbol*. Vol.24. Iss.2. pp. 105-120.-
- Sharifian, F. (2011). *Cultural conceptualizations and language: theoretical framework and applications*. John Benjamins Publishing Company.
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics*. Vol. 2. Cambridge, MIT Press.
- Türk dil kurumu, Atasözleri ve Deyimler Sözlüğü, at: http://www.tdk.gov.tr/index.php?option=com_atasozleri&view=atasozleri
- White, G.M. (1987). "Proverbs and cultural models: an American psychology of problem solving". *cultural Models in Language and Thought*. eds. Holland, D. & Naomi Quinn. Cambridge university press. Pp. 151-172
- Zolfaghari, H. & Hayat Ameri (2012). "Persian Proverbs: Definitions and Characteristics". *Journal of Islamic and Human Advanced Research* 2. pp. 93-108.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Cognitive Metaphore of Love in Persian, English and Turkish Proverbs

Behrouz Ibrahimi¹, Hayat Ameri^{*2}, Zahra Abolhassani Chimeh³

1. Ph.D. Candidate in Linguistics - Islamic Azad University, Science and Research Branch..
2. Assistant Professor of Linguistics-Tarbiat Modares University.
3. Associate Professor of linguistics - SAMT Research Center.

Receive: 05/11/2017 Accept: 23/01/2018

Abstract

The present study deals with the conceptual metaphors of the domain of love in the mirror of the proverbs of three Persian, English and Turkish languages. Efforts have been made to extract and collect data from 15 sources in these three languages. Some of these sources include the comprehensive Turkish-Turkish culture of Persian (Mohammad Kanar, 2005), proverbs of Azerbaijan (Habib Majidi Zolbeneen, 2010), Eul Susslerri (Mohammad Hassan Yousefi, 1998), the culture of proverbs (Henry Dividov, 2007) and the Proverbs (Ali Akbar Dehkhoda, 1363). Through search of sources, more than 10,000 proverbs were studied, of which we reached 203 proverbs in the field of love and 96 in the proverbs. Some of these entries were shared among the languages and some were assigned to one language. Attempts were made to bring the most frequent failures in the three distinct languages in the table. Along with the signs, the most frequent areas of origin were also identified and introduced to determine whether the speakers in these three languages used more than their source and source of metaphorical expressions of love.

Keywords: Cognitive Semantics, Mapping, Emotions, Proverbs, Love

*Corresponding Author's E-mail: h.ameri@modares.ac.ir



